

## معرفی آثار سفالی تمدن مایا و اینکا (آمریکای لاتین) در موزه هنر ملل

### مریم ابراهیم دخت مقدم

#### مقدمه

ناحیه ای که آرتک و مایای باستانی را تشکیل می داد و در حال حاضر عموماً امریکای میانی نامیده می شود نواحی جنوبی و شرقی مکزیک، سراسر گواتمالا، بلایز و ال سالوادور، هندوراس غربی و جنوبی و سمت اقیانوس آرام امریکای مرکزی تا شبه جزیره نیکویا در کاستاریکا را شامل می شود، مردمان امریکای میانی، یک سلسله خصوصیات فرهنگی مشترک داشتند.

تقویم های ۲۵۰ و ۳۶۵ روزه که یک دوره طولانی حدوداً ۵۲ ساله را ثبت می کرد، نوشته های هیروگلیف مانند، کتاب های تا شونده و سالن های توپ بازی با فضاهای دایره شکل در وسط، از جمله این مشترکات بود. در مقایسه با سومر، و سایر تمدنهای اولیه دنیای قدیم، تمدنهای امریکای میانی نسبتاً جدیداند. و فرهنگ اولمک نخستین فرهنگ عمده این منطقه می باشد. تمدن اولمک ساختمان هایی آئینی و پیکره هایی یادمانی از خود برجای گذاشته است.

بسیاری از مضمون ها و خدایان اسطوره ای آرتک از دیگر فرهنگ های امریکای میانی گرفته شده است، اما برخی اسطوره ها مطلقاً از تکی هستند. بخصوص سرچشمه های اسطوره ای اویتسیلیوچتلی در مونته کوتپک که منشور مقدس توسعه طلبی دولت آرتک بود.

با بررسی نقوش ظرفهای سفالی متعلق به تمدن مایا، بخشی از رازهای شیوهی حکومت این تمدن آشکار شد. به گزارش خبرگزاری ایسنا به نقل از آرکتولوژی نیوز، یکی از باستان شناسان دانشگاه هاروارد آمریکا که از سالها پیش مشغول بررسی ظرفهای سفالی باقی مانده از تمدن مایا در موزه های مختلف جهان، بویژه موزه پن (Penn) آمریکاست، اعلام کرد که با بررسی تصاویر نقش بسته روی ظرفهای سفالی، موفق به کشف بخشی از رازهای نحوه حکومت امپراطوری این تمدن ناشناخته بر بخشهای وسیعی از قاره ای امریکای جنوبی شده. (سرامیکهای سلطنتی از دوره کلاسیک، انتشارات دانشگاه دوک: دورهام، NC و لندن.)

به گفته ای او، بخش اعظم ظرفهای سفالی منقوش که در جریان این پروژه علمی از آنها استفاده شده است، ظرف سفالی اند که سالها پیش در نزدیکی روستای چاما (Chama) در کشور گواتمالا کشف شده اند و اکنون در موزه پن نگهداری می شوند.

وی همچنین براساس مطالعه ی نقوش ظرفهای سفالی دریافته که سیاستگذاری برای حکومت در میان مردم تمدن مایا و توسط گروهی از جوانان باهوش هر قبیله همراه امپراطور انجام می شده است؛ ولی هرکدام از این افراد درجه ی خاص اجتماعی ویژه ی خود را داشته اند و میزان قدرت آنها براساس درجه ی اجتماعی شان بوده که براساس نوع رنگی که صورت خود را با آن رنگ آمیزی می کردند، به دیگران اعلام می شده است. همچنین یکی از پیش شرطهای کسب قدرت سیاسی، شکار یک ببر و انجام اعمال بسیار سخت بوده است.

مردم تمدن مایا سالها در منطقه ای امریکای جنوبی زندگی می کردند تا اینکه این تمدن که هنوز بسیاری از رازهای آن ناشناخته باقی مانده است، در سال ۱۵۱۲ توسط اسپانیایی ها نابود شد.

[www.tebyan.net/Weblog/medical1387/post.aspx](http://www.tebyan.net/Weblog/medical1387/post.aspx)

عکس آثار و اشیایی که در انتهای این تحقیق ارائه می گردد آثاری از تمدن مایا و اینکا می باشند که در زمان پهلوی دوم توسط همسر شاه ( فرح ) از حراجی ها خریداری شده و یا به او اهدا گردید و در موزه آفریقا واقع در مجموعه سعدآباد نگهداری می شده که هم اکنون نیز در موزه هنر ملل (آفریقای سابق) در کاخ ملت در معرض نمایش عموم قرار دارد.

### مایا (عروس باران)

فرزها پیش از پیدایش مسیحیت در اروپا، قبایل متمدنی در دره های حاصلخیز و جنگلهای سرسبز آمریکای مرکزی و جنوبی زندگی می کردند که در کشاورزی، معماری، علوم، ریاضی و ستاره شناسی به پیشرفتهای زیادی رسیده بودند. از جمله این قبایل میتوان "مایا، اینکا، آزتک و تولتکس" را نام برد. به نظر بعضی از باستانشناسان مایا تمدنی بوده پیشرفته دارای تقویمی دقیق.

مردم مایا دارای خط بودند به مانند مصریان باستان که به هیروگلیف مایا معروف است و از تعدادی اشکال تشکیل شده است که از آن در نوشتن حرفهای خود استفاده می کردند. قبیله "مایا"، خورشید را به خدایی برگزیده بودند و آن را پرستش می کردند، به همین جهت خود را "فرزندان خورشید" می نامیدند.

آنان خدایان دیگری نیز داشتند، از جمله خدای باران، خدای جنگل و در تمدن مایا اعتقادات عامل متحد کننده جامعه بود. اگر چه بازرگانی و وسائلی برای مایاها فراهم آورد تا تمدن خود را پایه ریزی کنند، اما تمام طبقات اجتماع از شاه و طبقات نخبه گرفته تا روستاییان همه اعتقادات مشترکی داشتند. باورهای پیچیده: درک دیدگاه مایاها درباره هستی، برای ذهن مغرب زمینی دشوار است. مایاها در اساس باور داشتند که دو بُعد یا دو دنیا وجود دارد: دنیایی دیگر که مخصوص خدایان است، و دنیایی انسانها. این دو دنیا در سه حوزه ظاهر می شدند:

۱ \_ آسمانها یا دنیای بالایی که مسکن خدایان آسمانی بود

۲ \_ زمین یا دنیای میانی که مسکن مایاها بود

۳\_ دنیای زیرین که "زیبالبا" نیز خوانده می شد و مسکن خدایان زیرزمینی و روح انسانهای مرده بود. قلمرو آسمانی شامل سیزده طبقه بود، قلمرو زیرزمینی نه طبقه داشت، فرمانروایی هر یک از طبقات بر عهده یکی از خدایان بود، ولی خدایان دیگری نیز ساکن آن بودند. به عبارت دیگر قلمرو خدایان نیز دارای همان نظام سلسله مراتبی و درجه بندی قلمروی انسانها است.

مایاها در مورد وضعیت زمین در جهان هستی و ارتباط خدایان با این وضعیت نیز دیدگاه پیچیده ای داشتند، مایکل دی کو در مورد این مسئله توضیح می دهد، مسئله ای که کارشناسان مختلف با داشتن اطلاعاتی اندک درباره آن، نظرات گوناگونی ارائه کرده اند: "با اطلاعات ناچیز و متناقضی که ما در دست داریم بسیار دشوار است که بتوان فلسفه آنان را درباره نظام هستی بازسازی و بیان کرد، ولی آنها ظاهراً کره زمین را مسطح و نه گرد می دانستند با چهار گوشه که هر گوشه ای یکی از جهات اصلی را نمایان می کرد، ضمناً هر یک از جهات چهار گانه رنگ ویژه ای هم برای خود داشت: رنگ سرخ برای مشرق، رنگ سفید برای شمال، رنگ سیاه برای مغرب، و رنگ زرد برای جنوب، و رنگ سبز هم برای مرکز همه آنها.

آسمان چند رنگ بود و از چهار سو، توسط چهار خدا با رنگ های متناسب و شایسته آنان حمایت می شد. از سوئی طبق باور مایاها، آسمان را در بالا چهار درخت با رنگ و جنس مختلف نسبت به یکدیگر نگه می داشت و یک درخت با رنگ ویژه ابریشم سبز در مرکز قرار گرفته بود.

## دنیای زیرین:

در مورد ماهیت دنیای زیرزمینی در نزد مایاها نیز دانشمندان امروزی اختلاف نظر دارند. اسپانیایی هایی که سرزمین مایاها را تصرف کردند نوشته بودند که از دید مایاها زندگی پس از مرگ یک دنیای زیرزمینی است که مکان های مختلفی دارد و مردگان شادمانه و خوشحال یا دردمندانه و در رنج تا ابد در آنجا ساکن می شوند . به زبان دیگر دنیای زیرین مایاها با نظرات و مفاهیم زندگی پس از مرگ در نزد مسیحیان شباهت هایی داشت ، به این ترتیب که مردمان خوب در بهشت پاداش می گیرند و بدکاران برای همیشه در دوزخ رنج و عذاب خواهند دید .

به همین دلیل پاره ای از کارشناسان ظن می برند که روایت اسپانیایی ها در این باره ، آگاهانه یا ناخودآگاهانه ، انعکاس نظر نویسندگان اروپایی است و باورهای مسیحی را در درون باورهای مایا جای داده اند. پاره ای دیگر از کارشناسان با این نظر مخالفند و میگویند گزارش اسپانیایی ها از باور مایاها در مورد آن دنیا ، دقیقا عقاید مایاها را منعکس می کند .

در مورد جنبه های گوناگون مراسم مذهبی تدفین مردگان مایا نیز نزد کارشناسان اختلاف نظر وجود دارد . مثلا دکتر پیتر هاریسون در جریان حفاری یکی از گورهای گورستان تیکال چیز عجیبی پیدا کرد. جالب ترین نکته در این گور مشاهده دو ظرف کاشی بزرگ بود که یکی را بر روی سر جسد و دیگری را بر کمرش نهاده بودند . کاسه ای که بر روی سرش قرار داشت محتوی استخوان های خرد شده یک زن بزرگسال بود ، در حالی که کاسه قسمت پایین ، محتوی استخوانهای کودکی زیر یک سال بود.

این نکته که این افراد چه کسانی بودند اند سئوالات زیادی را بر می انگیزد. آیا می شود گفت که آنها زن و بچه او بوده اند، که با فشردن و له کردن آنان در ظرف، در کنار وی گذاشته شده اند تا او را در گور همراهی کنند؟ هاریسون در گورستان تیکال شاهد راز و رمزهای دیگری نیز بود. او در مورد مزار یکی از شاهان چنین می نویسد: فرمانروا پس از مرگ قطع عضو شده بود، جمجمه و استخوانهای ران وی همراه جسد دفن نشده بودند . اکنون ما می دانیم که این قسمت های مهم بدن ، بعضی اوقات در خاکسپاری شاهان از بدن حذف می شده اند. این موضوعی درخور تحقیق است که چرا قسمت های مشخصی از بدن انسان پاره ای اوقات به خاک سپرده نمی شد. آیا این قسمت ها به هنگام زنده بودن شخص بنا به عللی ، مثلا در جنگ قطع شده بود؟ و یا اینکه توسط دشمنان به عنوان غنیمت جنگی برداشته شده یا اینکه خانواده متوفی آن را به عنوان یادگار نزد خود نگه داشته بودند؟

"مایا"ها حدود سالهای نخستین پیدایش مسیحیت در اروپا، شروع به ساختن شهری بزرگ با ساختمانها و معبدهای عظیم کردند و زندگی خود را با جشنها و مراسم با شکوه رونق بخشیدند . آنها در این جشنها ، ماسک حیوانات به چهره می زدند و با خواندن سرود و زدن طبل ، به پایکوبی می پرداختند تا خدایان کوچک و بزرگ خود را ستایش کنند . به درستی معلوم نیست چه شد و چه پیش آمد که مایا ها دل از آن همه نعمت ، رفاه و زندگی آسوده برکنند و دست به یک مهاجرت گروهی و ناگهانی به سوی جنگلهای شمال زدند . دلیل این مهاجرت مرموز ، شاید شیوع نوعی بیماری مرگبار مثلا طاعون یا وقوع تغییرات ناگهانی آب و هوا ، و شاید هم بروز قحطی و خشکسالی بوده است . به هر روی ، دلیل واقعی این مهاجرت مرموز و ناگهانی هنوز معلوم نیست و شاید هم هرگز روشن نشود . "مایا"ها با این مهاجرت ، سالها در جنگلها و کوهها و دره ها سرگردان بودند . هر گروه به سویی و هر دسته در جهتی پیش می رفت بر اساس مدارک و شواهد تاریخی ، بزرگترین گروه مهاجر از قوم مایا ، در محلی که امروز یوکاتان نامیده می شود ، سکونت گزیدند و شهر شگفت انگیز چی چن ایتزا را به وجود آوردند . زیبایی و شوکت این شهر به قدری خیره کننده بود که حسادت و کینه دیگر قبایل را برانگیخت .

سرانجام در سال ۱۲۰۰ میلادی ، این شهر درگیر جنگ خونین با اقوام وحشی شد و چون اهالی آن از عهده دفاع از خود برنیامدند ، یک بار دیگر همچون اجداد خود خانه و زندگی خود را بر جای گذاشتند و رفتند . بدین سان ، چی چن ایتزا به غارت رفت و خانه ها ومعبد ها ، ستونها و مجسمه های آن شهر خالی از سکنه ، در اعماق جنگل از نظر ناپدید شد.

از این ماجرا ، ۲۵۰ سال گذشت . در سال ۱۵۴۱ جهانگشایان اسپانیایی به امریکای جنوبی و مرکزی یورش بردند و شهر یوکاتان به چنگ آنها افتاد . این زمان ، دیگر هیچ نام و نشانی از شهر چی چن ایتزا نمانده بود ، مگر قصه هایی بر زبان سالمندان بومی سربازان مهاجم اسپانیایی را کشیشی به نام دیه گو دولاندا همراهی می کرد . او به هر سرزمینی که قدم می نهاد ، به یادداشت برداری از آداب و رسوم مذهبی مردم آن منطقه می پرداخت. او در بازگشت به اسپانیا نتیجه تحقیقات خود را به صورت کتابی تنظیم کرد و به کتابخانه مرکزی سپرد ، به این امید که مورد توجه دانشمندان و باستانشناسان قرار گیرد. اما این کتاب جالب تا سیصد سال بعد هم خواننده ای نیافت ، زیرا کمتر کسی حاضر بود مطالب عجیب آن را درباره خدایان سرخپوستان امریکای جنوبی و آداب و سنن مربوط به آنها را بپذیرد و باور کند.

واژه **اینکا** به معنای "خدا در زمین" ، بر گرفته از زبان بومیان کشور پرو در امریکای جنوبی است.



شماره ۱

## سرامیک مایا

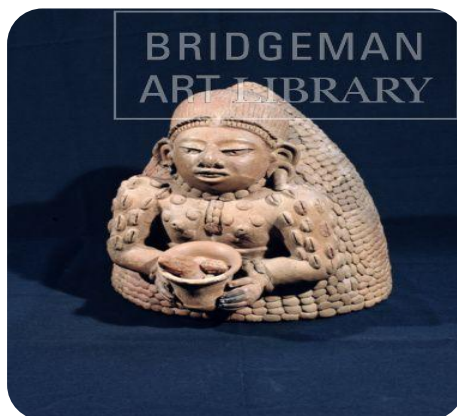
نقاشی بر روی پروردگار گلدان تاج و تخت پوست خام پلنگ خالدار امریکایی ، صحنه [دادگاه مایا](#) ، 700-800 میلادی.

**سرامیک مایا** مهم در مطالعه [پیش کلمسای مایا](#) فرهنگ [Mesoamerica](#) از سال ، در زمان کشتی در اشکال مختلف ، رنگ ، اندازه ، و اهداف. هنری شدید موزاییک که فصل دیوارهای شاهکارهای داستان های باستانی را آشکار حاکمان ، عالم اموات Xibalba ، ایجاد مایا ، و حتی عملکرد خاص از رگ.

## دکوراسیون

معتقد باصل اخلاقی سودمند گرایي افزار از مردم عادی معمولا تنها در اختیار دکوراسیون متواضع نیز است. ظروف تدفینی از نخبگان بود که اغلب بیشتر استادانه درست شده.

استراتژیک [Mesoamerican ballgames](#) ، مناسک ، و مرگ عروق کلیدی و یا رنگ آمیزی شده بودند مطالب اظهارشده در.



شماره ۲

## روش های تولید

گلدان تولیدی صنعتی مایا فولاد هائی نجیب لباسهای ؛ ارائه دفن. در اواخر دوره کلاسیک (600-900 م). [Copán](#) ، [هندوراس](#) .

مایا تا به حال روش خاصی برای ایجاد ، حجاری کردن روی سطوح و ستونها ، رنگ ، طرح و سفالگری

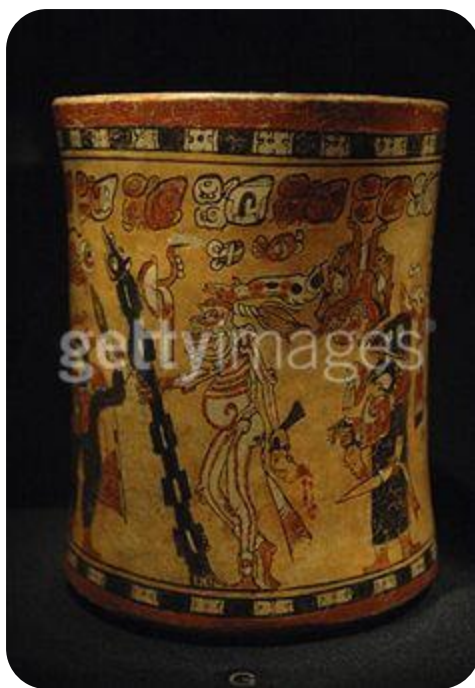
برای شروع ایجاد یک کشتی سرامیک مایا تا به حال برای قرار دادن منابع مناسب برای [خاک رس](#) و [خلق و خوی](#) .  
امروزی [یومی](#) مایا ، که در حال حاضر در آن زندگی می [گوآتمالا](#) ، [بلیز](#) و جنوب [مکزیک](#) که هنوز ایجاد سرامیک عالی است.

[حزم M](#)، [برنج](#) فراهم می کند آنچه در نگاه فعلی گوآتمالا استفاده از رس مایای امروزی. طیف وسیعی از سفال که ایجاد رنگ های متنوع و نقاط قوت هنگام اخراج وجود دارد . فرضیه این است که مردم باستانی خود گل را با همان روش به عنوان مایا امروز به دست آورده. سفال در معرض سیستم های رودخانه از دره های کوهستانی واقع شده است. به احتمال زیاد ، به علت شباهت آب و هوایی بیش از هزار سال گذشته این احتمال وجود دارد که این رسوبات یکسان و یا مشابه آنهایی که می توانست در زمان اولیه استفاده می شد.

سپس وررقه رس برای تزئین سفال مورد استفاده گردید.

در قرن چهارم ، گسترده طیف رنگ ها از جمله زرد ، بنفش ، قرمز ، نارنجی ساخته شد. با این حال ، برخی از نقاشان برای تولید صنعتی مایا فقط از رنگ های سیاه و سفید ، قرمز ، و گاهی اوقات کرم استفاده می کردند .

. از قرن 5 میلادی به بعد ، پس از پخت گچ تهیه شده توسط اهک ، رنگدانه اضافه می شد که حل کردن مواد معدنی و ایجاد بلور غنی و سبزی که اضافه شده این تکنیک بیشتر مخصوص مردمان در اوایل دوره کلاسیک بود. (میلر ، مری الن (1999) هنر و معماری مایا ، تیمز و هادسن : نیویورک.)



شماره ۳

## Development chronology

### توسعه گاهشناسی

فرهنگ مردم مایا در طی قرون توسعه یافت. باستان شناسان مراحل مشترکی میان انواع سرامیکها پیدا کرده اند ، و این مرحله همزمان با جدول زمانی تولیدی صنعتی مایان فولادبوده است.

در اصل ، مایا های اولیه سرامیک به شکل های مفید برای حمل مایعات و مواد غذایی ساخته می شده است. که آنها بسیار بادوام و کاربردی و قابل حمل بوده اند. (کویی ، مایکل ، (1999) مایا (6 م.) ، تیمز و هادسن : نیویورک)



شماره ۴

## فصل دوم



## اینکاها

امپراتوری اینکا در قرون پانزدهم و شانزدهم توسعه پیدا کرد. این امپراتوری بوسیله فرمانروای اینکا که خود را خدایگان می پنداشت، اداره می شد. پایتخت آن، شهر کوزکو، در ارتفاعات آند بود.

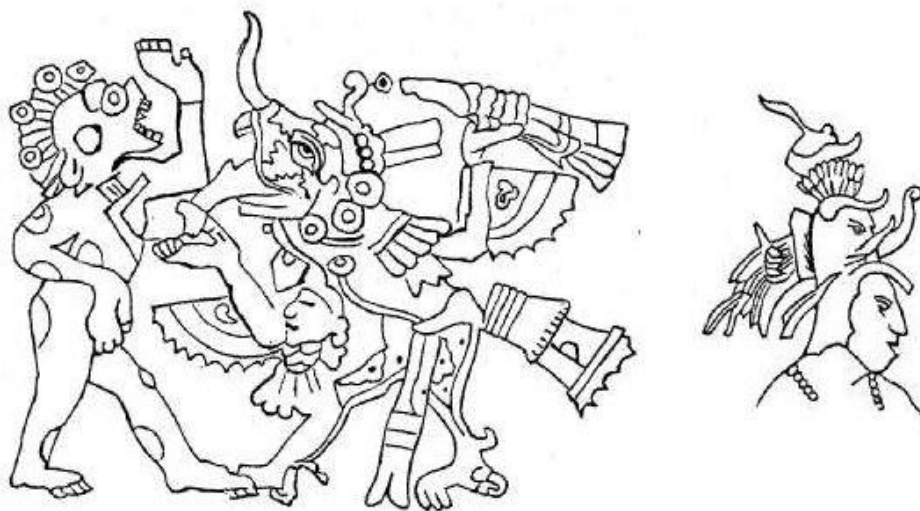
شبکه ای از راههای عالی، تمام بخشهای امپراتوری را به هم وصل می کرد و امکان اداره بیش از ده میلیون جمعیت و غلبه بر تقریباً همه قبایل همسایه را برای اینکاها، فراهم می کرد. وقتی اسپانیایی ها در سال ۱۵۳۲ م از راه رسیدند، امپراتوری اینکاها در اوج خود بود. فاتحان اسپانیایی به طمع طلا و نقره اینکاها، این تمدن را در عرض چند ماه نابود کردند.

امپراتوری اینکا ، اکوادور و شیلی کنونی را در بر می گرفت. سرزمینهایی ما بین این امپراتوری در زمان اوج خود قرار داشت.

## ریشه‌ها

ریشه‌ها، پیدایش و تکامل تمدن اینکا، هنوز در حاله‌ای از ابهام باقی مانده است. در باره تاریخ این قوم، منبع و نوشته‌ای وجود ندارد، چون اینکاها فاقد خط بوده‌اند.

اما به نظر می‌رسد قبایل اینکا که در پیرامون دریاچه تی‌تی‌کاکا می‌زیسته‌اند، در سده دوازدهم میلادی به رهبری مانکوکاپاک، فرمانروای افسانه‌ای اینکا، سرزمین‌های مجاور را فتح کرده و با بنای شهر کوزکو، تمدن اینکا را بنیان نهاده‌اند .



شماره ۵

## اسطوره‌ها

درباره پیدایش و تکامل تمدن اینکا، افسانه‌ها و اسطوره‌های زیادی نقل شده است. یکی از گویندگان این اسطوره‌ها، گارسیلازودولاوگا، از تاریخ‌نگاران فتح سرزمین اینکا به دست اسپانیاییهاست.

اسطوره‌ای که وی نقل کرده، از این قرار است: مانکوکاپاک و ماماوکلو یک زوج افسانه‌ای و از ارباب انواع بوده‌اند که با لشگری از جادوگران و جنیان کرانه‌های دریاچه تی‌تی‌کاکا را ترک کردند تا به سرزمین برگزیده کوچ کنند. هنگامی که به تپه هواناکائوری (جایی که شهر کوزکو ساخته شد) رسیدند، لشگر جادویی مانکو در داخل زمین فرو رفتند و این برای



مانکو و همسرش، نشانه‌ی پایان انتظار برای جستجوی سرزمین موعود بود و به این ترتیب، این زوج افسانه‌ای شهر خود را روی این تپه بنا کردند. [danesh.bizhat.com/HumanScience/Archaeology.htm](http://danesh.bizhat.com/HumanScience/Archaeology.htm)

## گسترش

اینکا در آغاز تنها یک دولت-شهر کوچک شامل شهر کوزکو و سرزمینهای پیرامون آن بود، اما در سده‌ی پانزدهم میلادی، با گشودن بخش بزرگی از این امپراتوری که کوه‌های آند، قلمرو اینکا را از حدود کوزکو بسیار رهبر بزرگ به یک امپراتوری بزرگ تبدیل (فراتر برد و دولت-شهر کوزکو را پاچاکوتی، نهمین امپراتور اینکا و ملقب به ساپا اینکا) کرد.

تاهوان‌تین‌سویو نامیده می‌شد، و چهار استان با دولت‌های محلی به نام‌های یک سازمان فدرالی با یک (دولت مرکزی) کوزکو

همچنین گمان می‌رود که پاچاکوتی سازنده‌ی شهر اسرارآمیز : چینچای‌سویو، آنتی‌سویو، کونتی‌سویو و ک ماچویچیو بوده باشد. پس از پاچاکوتی، دیگر فرمانروایان اینکا به ترتیب عبارت بودند از::

توپاک اینکا یوپانکی پسر پاچاکوتی

توپاک اینکا دهمین امپراتور اینکا در زمان فرمانروایی پدرش فرمانده ارتش تاهوان‌تین‌سویو بود

وی در سال ۱۴۶۳ میلادی، بخشی از سرزمینهای شمالی قلمرو پدرش (شامل بخش‌هایی از اکوادور و کلمبیا ی کنونی) را گشود پس از مرگ پدرش در ۱۴۷۱ .

مهم‌ترین گشایش‌های وی با رسیدن به امپراتوری نیزه فتوحاتش ادامه داد.

[/w/index.php?title=%DA%86%DB%8C%D9%85%D9%88%D8%B1&action=edit&redlink=1](http://w/index.php?title=%DA%86%DB%8C%D9%85%D9%88%D8%B1&action=edit&redlink=1)

## هوایناکاپاک پسر توپاک اینکا

در زمان هوایناکاپاک، یازدهمین فرمانروا، امپراتوری اینکا به بیشترین وسعت خود رسید. او بخش‌هایی از شیلی و آرژانتین کنونی را به قلمرو امپراتوری پیوست کرد.

نیز برخی از شورشهای داخلی را سرکوب نمود.

همچنین قلمروش را میان دو فرزندش، هواسکار و آناهوالپا تقسیم کرد.



شماره ۶

## سازمان اجتماعی و اقتصادی

اینکاها زندگی اجتماعی پیشرفته‌ای داشته‌اند. دولت اینکا آنان را از حداقل امکانات بهره‌مند می‌ساخت، و محل سکونت قبایل مختلف را تعیین می‌نمود. هر خانواده‌ای از دولت زمین دریافت می‌کرد و همه افراد موظف بودند روی زمینی که دولت در اختیارشان قرار داده کار کنند و مالیات خود را نیز بپردازند. افراد سالم جامعه می‌بایست معلولین را در کشت و زرع یاری می‌کردند. ازدواج برای مردان در سن ۲۴ سالگی و برای زنان در سن ۱۸ سالگی الزامی بوده است. امپراتوری اینکا، دارای شبکه‌ای پیشرفته از راه‌ها بوده و در بیرون شهرها، انبارهایی برای نگهداری از خواربار و مواد غذایی وجود داشته است. نوع نظام اقتصادی امپراتوری اینکا سبب شده است که از این امپراتوری به عنوان یک تمدن کمونیستی یاد شده و گاه با امپراتوری‌های ایران و روم باستان مقایسه شود. (میلر، مری ال (1999) هنر و معماری مایا، تیمز و هادسن: نیویورک)

## سیستم راه‌های سلطنتی

بخشهای مختلف از طریق ۲۵۰۰۰ کیلومتر (۱۵۵۰۰ مایل) جاده و پل به یکدیگر وصل می‌شد. مردم پای پیاده سفر می‌کردند. اسب با وسیله نقلیه چرخ دار وجود نداشت. منزلگاهها به اندازه یک روز پیاده روی با همدیگر فاصله داشتند. اینکاها از قاصدهایی به نام «چاسکویی» استفاده می‌کردند.

آنها آنقدر سریع بودند که حتی هنگامی که حاکم در پایتخت، شهر کوزکو، در فاصله ۴۰۰ کیلومتری (۲۵۰ مایلی) از دریا زندگی می‌کرد، ماهی تازه برای او می‌آوردند. فرمانروای اینکا را سوار بر یک تخت روان سایبان دار از نقطه‌ای به نقطه دیگر حمل می‌کردند. امپراتوری اینکا بیش از ده میلیون جمعیت داشت. را شامل می‌شد، اکوادور، شمال

شیلی و جنوب این امپراتوری در زمان اوج خود، مناطقی از جنوب کشور پیو رهبران اینکاها بدون خط کتابت یا وسایل نقلیه چرخدار بر این منطقه وسیع حکومت میکردند.

### کشاورزی

کشاورزی پایه و اساس زندگی اینکاها را تشکیل می داد. سال کشاورزی در ماه اوت، هنگامی که فرمانروای اینکا اولین شیار را در زمین بوسیله دیلمی نوک تیز از جنس طلا ایجاد می کرد، آغاز می شد. تمام زمینهای قابل استفاده به زیر کشت می رفت.

آبراه های طولانی، زمینهای کویری ساحل را آبیاری می کردند، در حالیکه در دامنه شیب دار کوهها، شیارهایی به شکل پلکان ایجاد می شد تا آب پر ارزش را نگه دارد. کشاورزان اینکا برای تغذیه سپاهیان، کاهنان و همچنین خودشان به کشت غلات می پرداختند. آنها گوشت مورد نیاز خود را از راه پرورش خوکچه هندی تامین می کردند.

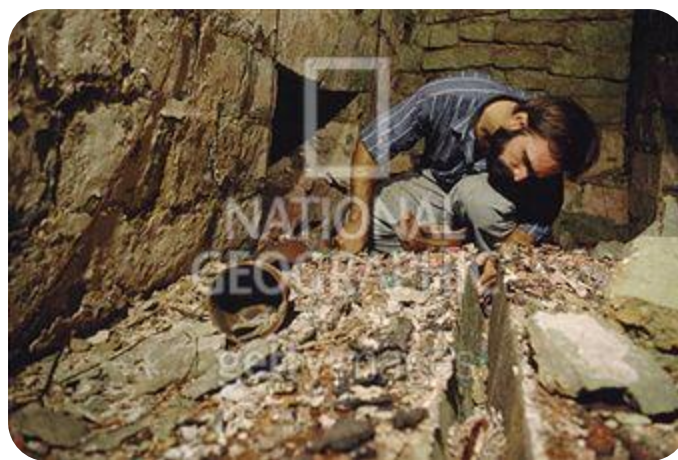
چوب کمیاب بود و سوخت منازل آنها از فضولات لاما (شتر بی کوهان آمریکای جنوبی) تامین می شد .

[danesh.bizhat.com/HumanScience/Archaeology.htm](http://danesh.bizhat.com/HumanScience/Archaeology.htm)

### مالیات میتا

هر کشاورز اینکایی مجبور بود زمین خود را ترک کند و به مدت پنج سال برای دولت کار کند. این کار اجباری به نام میتامعروف بود. او مجبور بود به عنوان معدنچی، کارگر راهسازی که او از خانه اش دور بود، همسر او روی مزرعه خانوادگی کار می کرد. ایالات مختلف امپراتوری اینکا، انواع کارگران مختلف دولتی را تامین می کردند.

هر کس به شکلی کمک می کرد، بیکاری و فرد بیکار وجود نداشت.



شماره ۷

## کورکواکها

هر ناحیه بوسیله یک کوراکا، مسئول دولتی، اداره می شد. او مراقب بود تا همه خانواده ها مالیات غله و میتا (کار مجانی) را پرداخت نمایند. او راههای محلی و پلها را مورد بازرسی قرار می داد. او حتی ازدواجها را ترتیب می داد. کوراکاها خانه های زنان خانه دار اینکا را بازرسی می کردند و مراقب بودند تا آنها خانه هایشان را تمیز و مرتب نگه دارند .

## شیوه لباس پوشیدن

زنان اینکا، پشم لاما (شتر بی کوهان آمریکای جنوبی) و آلیاکا (نوعی شتر بی کوهان آمریکایی) را می رسیدند و از آن لباس می بافتند. آنها لنگ، پیراهنهای گشاد و بلندی که تا روی زانو می رسید، و ردهای گرم می دوختند. در دره های ساحلی، جایی که پنبه کاشته می شد، مردم لباسهای نازکتری می پوشیدند.

## کویپو

اینکاها زبان نوشتاری یا شمارش و عدد نداشتند. به جای آن از کویپو استفاده می کردند. کویپو ، یک رشته (طناب) بود که رشته های رنگی مختلفی با ضخامتهای متفاوتی از آن آویزان بود.

این رشته های آویزان برای نشان دادن مقادیر مختلف چیزها به آن وصل می شدند. بایگانی های ضبط شده روی کویپو، در یک دفتر مخصوص در شهر کوزکو (پایتخت) نگهداری می شدند.

دولت معمولا اطلاعات ارزشمندی درباره وضعیت جمعیت هر منطقه، میزان برداشت محصول و مقدار دقیق پشم، اسلحه و فلزهای قیمتی موجود در انبارها در اختیار داشتند . سیستم کویپو نشان داد که هیچ کس در پرو دچار گرسنگی نشده بود. هنگامی که محصولات کشاورزی در منطقه ای دچار نقصان می شد، تولیدات اضافی مناطق دیگر در بین مردم آن منطقه تقسیم می گردید



شماره ۸

## ارد اینکا

فرمانروای اینکا بر امپراتوری وسیعی حکومت می کرد. مردم معتقد بودند که او از فرزندان خدای خورشید است. امپراتور اینکا یک نوار طلائی کوچک که انتهای آن قرمز بود، به سر خود می بست. لباسهای او را کاهنه هایی که تحت آموزشهای خاصی قرار گرفته بودند، می دوختند. تمام طلا و نقره اینکاها جزو گنجینه شخصی امپراتور محسوب می شد.

او در ظروف طلا و نقره غذا می خورد و بر تخت طلائی می نشست. هر چند که امپراتور اینکا از همسران متعدد خود بچه هایی داشت، همیشه یکی از خواهرانش به عنوان ملکه برگزیده می شد، چرا که تنها او از نظر مقام با امپراتور اینکا در رده مساوی قرار داشت. هنگامی که یک امپراتور اینکا از دنیا می رفت، ثروت او برای تزئین قبر و آرامگاه او صرف می شد.

این به آن معنی بود که جانشینان او می بایست ثروت جدیدی برای خود دست و پا می کردند. (میلر ، مری الن (1999) هنر و معماری مایا ، تیمز و هادسن : نیویورک)

شاید این مسئله بتواند دلیل حرص بیش از حد اینکاها را برای گسترش امپراتوری خود، بیان کند. همچنین ممکن است روشننگر این نکته باشد که چرا اینکاها آنقدر مراقب مناطق تحت سلطه خود بودند.

بر اساس افسانه های اینکاها، شهر کوزکو توسط «مانکوکاپاک» ساخته شد

اینکاها ساکن شهر کوزکو، ناحیه کوهستانی آند را در همسایگی خود تسخیر کردند

حاکم اینکا، پاچاکوتی اینکا یوپانکوی، به قدرت می رسد. او به همراه پسر جنگجویش، توپالینکا یوپانکوی، بیشتر قبایل ساکن کوههای آند را مطیع خود می سازد

توپالینکایوپانکوی، می میرد. در این زمان امپراتوری اینکا سرزمینی را به طول ۴۰۰۰ کیلومتر (۲۵۰۰ مایل) در کوههای آند و نیز در امتداد سواحل اقیانوس آرام، در بر می گرفت

فرمانروای اینکا، هولیناکاپاک، قبل از انتخاب جانشینش می میرد. نتیجه این حادثه جنگ داخلی بین دو تا از پسرانش، هواسکار و آتاولپا، بود. آتاولپا در شهر کاجامارکا سلطنت خود را مستقر می کند. او سرانجام برادر خود را شکست داده و او را می کشد.

ماجراجوی اسپانیایی، فرانسیسکو پیزارو، پاناما را به قصد پرو ترک می کند. او با شنیدن اخبار تحریک کننده درباره ثروت اینکاها، دولت اسپانیا را قانع می کند تا وسایل سفر بهتری برای اکتشاف در اختیار او قرار دهند.

پیزارو به کاجامارکا قدم می گذارد. قاصدهای آتاولپا او را در جریان پیروزی فاتحان اسپانیایی قرار می دهند و او برای « آنها هدایای ارزشمندی می فرستد. پیزارو با اسیر کردن آتاولپا در اولین فرصت به او پاسخ می دهد. حاکم اینکاها در ازای آزادیش، یکی اطاق پر از اشیاء گرانبها شامل طلا و نقره به پیزارو پیشنهاد می کند

پیزارو بعد از دریافت حق آزادی بسیار چشم گیر آتاولپا، او را به ایجاد شورش علیه اسپانیایی ها متهم می کند. بدستور پیزارو، آتاولپا را خفه می کنند و امپراتوری بدون فرمانروای اینکا فرو می پاشد

پیزارو شهر لیما را به عنوان پایتخت خود انتخاب می کند. هنگامی که اولین فاتحان در بین خود شروع به جنگیدن می کنند، دولت اسپانیا کشور پرو را فتح می کند

پیزارو در شهر لیما بدست رقبای اسپانیایی خود به قتل می رسد

اسپانیایی ها آخرین ایالت مستقل اینکا را فتح می کنند و سر توپاک آمارو، آخرین فرمانروای اینکا، را از بدن جدا می کنند. مردم اینکا به عنوان برده روی مزارع بزرگ و معدنهای طلا و نقره برای اسپانیایی ها کار کردند.



شماره ۹

جسد مومیایی يك دختر اینکا که باستان شناسان آن را بي نقص توصیف مي کنند و در سال 1999 پیدا شد براي نخستین بار در آرژانتین به نمایش گذاشته شده است. دختر مومیایی اینکا در يك محفظه سرد شده نمایش داده مي شود. صدها نفر براي دیدن مومیایی "دوشیزه" به موزه ای در شهر سالتا در شمال غربی آرژانتین هجوم بردند. بقایای این دختر، که در زمان مرگ ۱۵ سال داشته است، در يك گودال یخی بر فراز آتشفشانی در کوه های آند در کنار يك دختر و پسر جوانتر پیدا شد. محققان بر این باورند که آنها ۵۰۰ سال قبل توسط قوم اینکا قربانی شده اند. این سه پیکر در ارتفاع ۶۷۰۰ متری بر کوه لولایاکو، آتشفشانی در شمال غربی آرژانتین، در نزدیکی مرز شیلی کشف شدند. در آن زمان دکتر یوهان رینهارد، باستان شناس سرپرست تیم، گفت تاکنون مومیایی هایی که به این خوبی حفظ شده باشد ندیده است. تصور مي شود که این سه نفر، که کودکان لولایاکو لقب گرفته اند، در جریان مراسمی برای شکرگزاری از خدایان اینکا برای برداشت سالانه ذرت قربانی شده باشند.



شماره ۱۰

## اینکا و سفال

شکل شایع olla تا دسته در یک طرف و یک پا و یا تک پایه. طرف مقابل حلقه در دسته معمولاً کم کمک تزئین شده ، احتمالاً از پایگاه دوم اداره اکو. این ollas پیاله به شکل بودند که معمولاً 9 یا 10 اینچ بالا است. فرم بدون شک مقدمه به آتش 2 ساده رفتار گلدان بود. سپس کسی کشف کرد که اضافه کردن پایه یا پا به آن گلدان تونستم تحمل بهتر در embers از آتش سوزی کوچک است. بعدها کشف که فقط نزدیکترین طبخ دسته واقعا لازم از دیگر دسته خیلی گرم به استفاده بسیار می شود و آن را در نهایت رها شده بود ، محل خود را که توسط زیور چندانی در تسکین کم که به دیگر وصل شده بود گرفته شده بود ساخته شده بود درست قبل از آن را پخته بود.

یکی دیگر از طرح مشترک 2 - گرفتیم ظرف غذا با گروه به شکل دسته تغییر معمولاً به صورت افقی در زیر لبه متصل شده ، گسترده تر از آن است که بالا و وسیع به اندازه کافی به طوری که دست diners به آسانی ممکن است عصاره طرافتهای در آن ، بدون شک خورش ، که نبودند مورد استفاده در آتش ، اما از خاک رس ظریف ، دقت soberly جلا داد و در هر دو طرف با الگوهای متعارف هندسی تزئین شده.

محبت و لیوان و ظروف مرتبط با chicha آشامیدنی بودند اغلب با amusingly شدید یا به دنبال jaguars pumas خودنمایی در یکدیگر با دهان باز و دندان های برهنه تزئین شده. یا ممکن است از کنترل از سر روباه خنده یا گرگ صحرائی امریکای شمالی ، مدل کاملاً پیچیده تشکیل شده است. روح است که در آن مدل از این ظروف اینکا از کار کرده بودند نشان می دهد بزرگ توانایی هنری و غالباً احساس خوبی از طنز. گاهی اوقات کوزه آشامیدنی خواهد بود در صورت مرد چاق با دست خود ساخته شده را به راحتی پشتیبانی از معده است.

شاید یکی از جالب ترین و کمیاب ترین اشکال سفالگری اینکا منقل 3 پا با باند به شکل دسته آن به بالا متصل شده ، دهان خود را به صورت نامنظم ، در یک طرف قرار داده شد. در بالا قرار می گیرند 3 دهانه یا حفره های خالی ، پاهای هستند جامد و استوانه ای شکل و به اندازه کافی بلند به اجازه از کوچک آتش سیاه در داخل و بدون metallurgists Incas به آنها داد که استفاده از چنین سخت braziers کمی ضعیف بود که زمان زیادی گذشته و هیچ نمونه کامل شده اند در بر داشت.

اندازه معمول برنج سازی 3 پا در حدود 7 اینچ بالا ، 6 اینچ عرض و 7 اینچ طول دارد. آنها به نظر می رسد برای آتش زغال چوب است که در آن فلز می تواند گرم نگه داشته در حالی که در حال کار در نظر گرفته شده اند. دریاچه سوراخ در بالا را وارد لوله های ضربه را پذیرفته ، عملاً در بسیاری از اسپانیایی اوایل مراجعه تواریخ ، و آنها به اندازه کافی نازک ساخته شده بودند تا آنها را قادر میسازد به سرعت گرم می شود. آنها بی شک در ساخت چاقو برنز ، محورها ، chisels مورد استفاده قرار گرفت ، و شال ، سوزن که در آن تکرار حرارت و سرد شدن آهسته لازم بودند.

منبع : 'شهر گمشده Incas ، داستان پیچو Machu و سازندگان آن' توسط Hiram بینگهام کاشف آمریکا که در خرابه های پیچو Machu در سال 1911 در بر داشت. بینگهام Hiram در پیچو Machu الهام برای ایندیانا جونز





شماره ۱۲





شماره ۱۳



شماره ۱۴



شماره ۱۵



شماره ۱۶



شماره ۱۷



شماره ۱۸



شماره ۱۹



شماره ۲۰



شماره ۲۱



شماره ۲۲



شماره ۲۳





شماره ۲۴



شماره ۲۵



شماره ۲۶



شماره ۲۷



شماره ۲۸



شماره ۲۹



شماره ۳۰



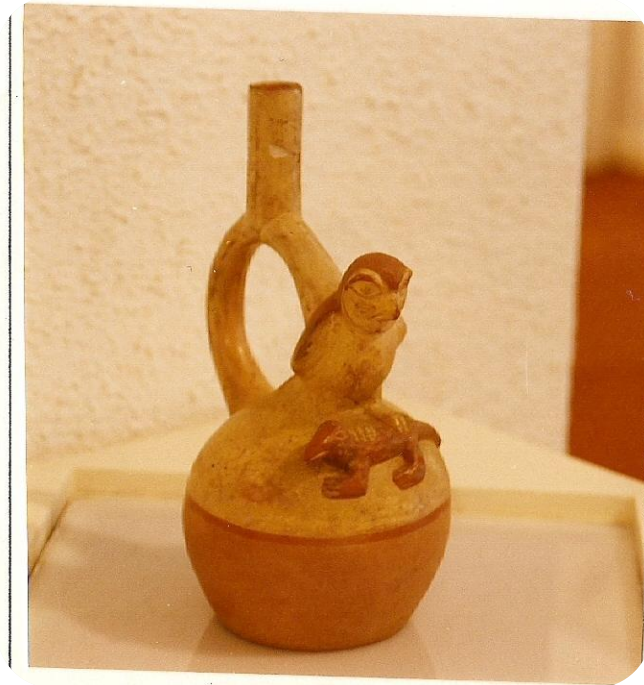
شماره ۳۱





**نتیجه**  
ما بسیار خرسندیم از اینکه آثاری چند به صورت نمونه از این تمدن ها در کشور عزیزمان در کنار آثار ایرانی قرار دارد و جای تحقیق و بررسی برای محققان خودمان فراهم گردیده. امیدوارم این متن مورد توجه و قابل عرض برای استاد ارجمند قرار گیرد.





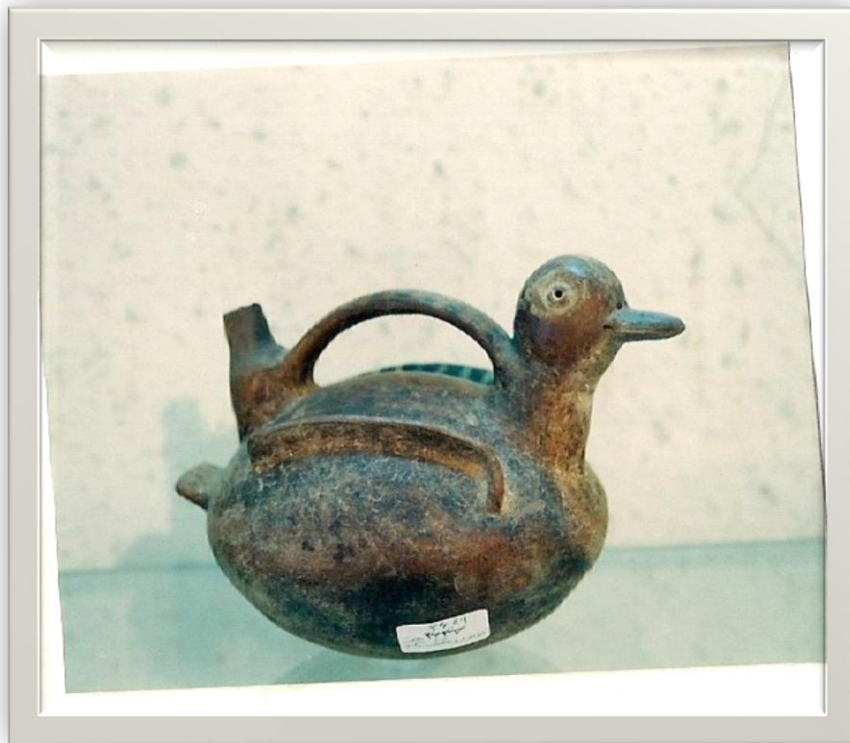
شماره ۳۴



شماره ۳۵

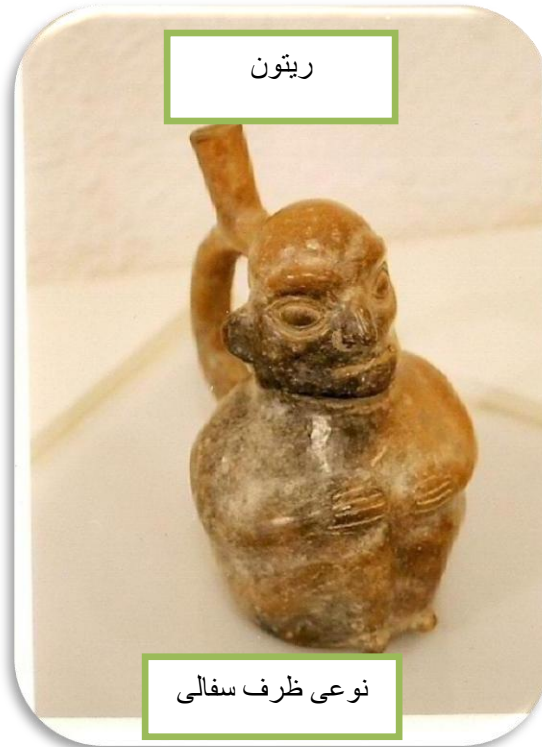


شماره ۳۶



شماره ۳۷

ریتون



نوعی ظرف سفالی

شماره ۳۸



شماره ۳۸

شماره ۳۹

ریتون



شماره ۴۰



شماره ۴۱

## منابع :

- ✚ کویی ، مایکل ، (1999) *مایا* (6 م.) ، تیمز و هادسن : نیویورک.
- ✚ میلر ، مری الن (1999) *هنر و معماری مایا* ، تیمز و هادسن : نیویورک.
- ✚ Dorie ، Reents - Budet ، و همکاران. (1994) *نقاشی جهان مایا : سرامیکهای سلطنتی از دوره کلاسیک* ، انتشارات دانشگاه دوک : دورهام ، NC و لندن.
- ✚ [fa.wikipedia.org/wiki/](http://fa.wikipedia.org/wiki/)
- ✚ [medjai.anzaliblog.com/](http://medjai.anzaliblog.com/)
- ✚ [www.tebyan.net/Weblog/medical1387/post.aspx](http://www.tebyan.net/Weblog/medical1387/post.aspx)
- ✚ [www.aftab.ir/links/links.php?id=298](http://www.aftab.ir/links/links.php?id=298)
- ✚ [danesh.bizhat.com/HumanScience/Archaeology.htm](http://danesh.bizhat.com/HumanScience/Archaeology.htm)